



WILKINSON SWORD: تغییر خانه

بشر اغلب فراموش می‌کند که نخستین شرکتی که ساخته شد خانواده بود.

برای گرداندن یک کسب‌وکار فقط چند عنصر اساسی لازم است: پول، که اغلب در دست زنان امن‌تر است؛ عقل سلیم یک پدر؛ و بچه‌ها، حاصل عشقی که یا با دقت برنامه‌ریزی شده بود یا صرفاً نتیجه شور، هوس و خطای انسانی بود.

وقتی به Wilkinson Sword نگاه می‌کنم، از بنیان‌گذاری‌اش تا فهرست بلند مالکانی که از آن پس صاحبش شده‌اند، نمی‌توانم فکر نکنم که الگویی پیش‌رونده در کار است.

آنچه کار نمی‌کرد هرگز واقعاً بهتر نشد.

فقط زیر کوه‌هایی از پول پوشانده شد.

و پول، همان‌طور که همه می‌دانیم، در پوشاندن چرندیات استاد است.

1891–1973

The Wilkinson Sword Company

این شرکت واقعی بود.

هشتادودو سال زندگی راستین، تاریخ، نوآوری، روایتگری، و آن خویشتنداری خاص انگلیسی که هنوز آن را برای بسیاری از کسب‌وکارهای امروز الگو می‌کند.

1973–1978

1978–1989

1989–1992

1992–2000

2000–2003

2003–2015

Edgewell Personal Care — 2015 تا امروز

آنچه می‌ماند خاله‌ای اشرافی است که خانه‌های بسیاری عوض کرده و در اتاق‌های بسیاری خوابیده است.

خریده شده، فروخته شده، به ارث رسیده، از نو سازمان یافته و جابه‌جا شده است.

با این حال، از خودش چیز زیادی نیافریده است.

همان‌جا ایستاده که همیشه ایستاده بود، با حدود سه میلیارد دلار در آمد سالانه و آبرویی که بیشترش را نسل‌های پیشین ساخته‌اند.

و این‌گونه به یک ترفند قدیمی بازاریابی از دهه 1980 برگشتند.

همان محصول.

همان تیغه.

همان شرکت.

نام‌های متفاوت بسته به بازار.

Wilkinson در اروپا.

Schick در آمریکای شمالی، آسیا و روسیه.

خاله Wilkinson نقره‌های خانوادگی را نگه داشت.

فقط به خانه دیگری رفت.

امروز نشانی بارها عوض شده است.

بانو نه.

خوش آمدید
Ferdinando